



امام صدر پیرو اصول تقریبی علامه شرف الدین است

سخنران پنجاه و نهمین درس گفتار اندیشه و عمل عنوان کرد: علامه سیدعبدالحسین شرف الدین «اصل در موضوع تقریب دارد که لحاظ کردن این اصول برای هر کسی که می‌خواهد در حوزه تقریب کار کند، لازم است.

سخنران پنجاه و نهمین درس گفتار اندیشه و عمل عنوان کرد: علامه سیدعبدالحسین شرف الدین «اصل در موضوع تقریب دارد که لحاظ کردن این اصول برای هر کسی که می‌خواهد در حوزه تقریب کار کند، لازم است.

به گزارش خبرگزاری مهر، درس گفتار «اصول راهبردی تقریب در سیره و آثار علامه شرف الدین و امام صدر» در محل موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر برگزار شد.

علیرضا هزار، پژوهشگر حوزه دین سخنران این درس گفتار بود که در ابتدای بحث با اشاره مختصر به زندگی علامه شرف الدین عنوان کرد: «علامه سید عبدالحسین شرف الدین در سال ۱۲۹۰ ه.ق در کاظمین متولد شد و در ۱۳۷۷ ه.ق قمری وفات یافت. در کودکی به همراه پدر به جبل عامل کوچ کرد و برای ادامه تحصیلات دوباره به عراق بازگشت و در سال های بعد مجدد به جبل عامل بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند.»

وی در نسبت بررسی آثار علامه با امام صدر گفت: یکی از مبانی و مبادی فکری امام موسی صدر، اندیشه علامه سید شرف الدین است. معتقد هستم مبانی عقیدتی او متأثر از علامه است و بر اساس همین مبانی مشترک، افعال مشترکی را در یک منطقه مشترک انجام می‌دهند.

هزار در ادامه عنوان کرد که مبانی این بحث بر محور کتاب «الفصول المهمه فی تألیف الامه» نوشته علامه شرف الدین است و سپس با اشاره به نقطه آغاز تقریب در تاریخ تشیع گفت: بعد از دوره صفویه، موضوع تقریب بین شیعه و سنی اولین بار در زمان نادرشاه مطرح شد اما این طرح شکست خورد و نادر شاه هم از طرح خود پشیمان شد. از آن زمان تا به امروز این موضوع بارها در قالب تقریب یا وحدت تکرار شده و در میان چهره هایی که به این موضوع پرداختند ۳ شخصیت را می‌توان نام برد که دکتربین تقریب دارند: علامه سید شرف الدین، آیت الله بروجردی و علامه عسگری. معتقد هستم امام موسی صدر هم خوانش جدیدی ندارد و بر مبانی نظریات این ۳ شخصیت کار کرده است.

وی افزود: روش علامه سید شرف الدین، تئوری خلافت اسلامی بود. روش آیت الله بروجردی، تئوری تعایش سلمی (زندگی مسالمت آمیز) و روش آیت الله عسگری، نوسازی تاریخ و حدیث بود.

هزار سپس عنوان کرد که پروژه تقریب در کشور ما آن طور که می‌خواستیم پیش نرفت و از این رو نیازمند بازخوانی جدی در روش های انجام آن و نیز بازگشت به آثار و افکار پیشینیان هستیم. او همچنین یکی از دلایل ناموفق بودن پروژه تقریب را نداشتن الگویی واحد و داشتن اصولی برای انتخاب الگو ذکر کرد و در ادامه به اصول ۱۰ گانه علامه شرف الدین اشاره کرد که در آثار و فعالیت های علامه وجود دارد و لحاظ کردن این اصول برای هر کسی که می‌خواهد در حوزه تقریب کار کند لازم است.

اصول دهگانه تقریب در دیدگاه علامه شرف الدین که هزار در این سخنرانی به آنها اشاره کرد به شرح زیر است:

ارزش تقریب: آیا تقریب و وحدت مفهوم ارزشی بالذات است؟ یعنی به خودی خود مطلوب است؟ پاسخ: وحدت دارای ارزش ذاتی نیست. وحدت دارای یک مفهوم برداری است. یعنی ابتدا باید سوالی قبل از این سوال پرسیده شود، وحدت با چه کسی؟ وحدت با چه چیزی؟ مخاطب و غایت وحدت و تقریب باید مشخص شود. این است که ارزش آن را تعیین می‌کند.

مراتب تقریب: تقریب امری واحد نیست و دارای مراتب است.

فرایند تقریب: تقریب مقوله ای فرایندی است. یعنی مقدمات و لوازم و ... می‌خواهد.

حق محوری: نباید برای تقریب حق را ذبح کرد چون تقریب در خدمت حق است.

تولی و تبری: حق محوری صفت تفکر است و نه فعل. بنابراین به تولی و تبری نیاز داریم یعنی نصرت دین و مقاوت به دین ستیزی است.

پایبندی به تقیه: تقیه به معنای تامین اهداف با حداقل هزینه است، اهداف حق محور. امام صدر استاد این قضیه است و اهدافش را با حداقل هزینه به بار می آورد.

حرمت انسان: انسان به ما هو انسان حرمت دارد. حرمت نیز همانند تقریب مفهوم برداری است و درجات دارد.

تحمل و مدارا: مدارا باوری است که به عمل می رسد اما در فرم های مختلف. شرف الدین دو سخنرانی مفصل در شرح روایتی از پیامبر درباره این مفهوم دارد.

تعامل بر محور مشترکات: علامه شرف الدین می گفت ما با کسانی که اختلاف داریم اشتراک هم داریم و معروف است آیت الله بروجردی تحت تاثیر این رفتار علامه توصیه کرد کتابی در باب احادیث مشترک نوشته شود که در آن زمان البته نگاشته نشد.

پذیرش اختلافات: ما در مبنا با یکدیگر اختلاف داریم و نباید آن را نادیده بگیریم اما قبول این اختلاف به تقریب کمک می کند.

هزار در پایان سخنانش عنوان کرد: «علامه شرف الدین ۳ پیشنهاد دارد و می گوید وحدت و تقریب در ۳ حوزه می توانند خود را نشان دهند: حوزه همکاری اسلامی (مرتبط با سیاسیون)، حوزه همزیستی اسلامی (مرتبط با مردمان) و حوزه همفکری اسلامی (مرتبط با عالمان). این اصولی که بیان شد نموداری از رفتار علامه در موضوع تقریب است.

امام موسی صدر هم بر همین مبنا در لبنان زیست و فعالیت کرد. حالا مجموعه گام به گام با امام را با توجه به این ۳ حوزه می توان بررسی کرده و رفتار و روش تقریبی امام صدر را رصد کرد.